

دکتر سجادی مدیر گروه عربی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

تفسیر قرآن و تاریخچه آن

-۴-

علمی که بدنبال قرآن پدید آمد

اصول فقه

بحث در اینکه مطلق چیست ؟ و مقید چیست ؟ و بیان اینکه حجیت عباراتی مانند «اکرم هاشمیا» و «اکرم هاشمیا عارفاً» چگونه است این بحث نیز در مطلقات و مقیدات قرآن و اخبار مورد استفاده است . مانند : « فتنحری رقبه مؤمنه » و « احلت لكم بهیمة الانعام الا ما یتلی علیکم » بحث در مجمل و مبین مانند آیات «صفراء فاقع لونها» که بیان آیه : «ان انبه یا امرکم ان تذبحوا البقره» می باشد .

و بالاخره تحقیق در این امر که آیا تأخیر بیان مجملات از موقع حاجت جایز است یا نه ؟ بحث در مستند اجماع و آیه « فاجمعوا امرکم » و اینکه آیا اجماع حجیت است یا نه ؟ و بیان انواع اجماع از محصل و منقول و اینکه

حضرت فرمودند: « لاتجتمع امتی علی الخطاه » و اینکه اجماع خود حجت است یا کاشف از قول معصوم است بنا بر قول شیعه اثنی عشریه .

بحث در انواع خبر چنانکه گفته شد .

بحث در تعارض اخبار و ادله و تعادل و تراجیح و بحث در اینکه آیا در احادیث نقل به معنی جایز است یا نه ؟ بحث در اینکه نسخ ماهیت چیست ؟ و آیا واقع است یا نه و اینکه منظور از آیه « یحواله ما یسأ و یثبت » چیست ؟ و اینکه چرا ابتدا خدا امر بدیج اسماعیل فرمود و سپس حکم رانسخ کرد و بحث در اینکه نسخ قرآن باخبار و اخبار به قرآن جایز است یا نه ؟ و تحقیق این معنی که به سنت متواتر جایز است که آیات قرآن رانسخ گردانند و بیان اینکه معنی نسخ عبارت از اعلام به زوال مثل حاکم سابق است به دلیل شرعی دیگری که متأخر از دلیل شرعی مثبت آن می باشد .

بحث در قیاس و استصحاب و اینکه قیاس منصوص العله حجت است و قیاس غیر منصوص العله در مذهب اثنی عشریه حجت نمی باشد و بیان این معنی که آیا احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد نفس الامری است یا نه .

بحث در مفهوم موافق و مفهوم مخالف و منطوق و بالآخره بحث در اجتهاد و مستند آن که مذهب شیعه اثنی عشریه است . و بحث در اینکه آیا اجتهاد قابل تجزیه است یا نه و اینکه مجتهد مطلق کیست و متجزی کیست ؟

انواع مختلف تفسیر قرآن

اشارت شد که تفسیر قرآن در حدود قرن سوم و چهارم گذشته از ترتیب کار اخوان الصفا که به آن جنبه های عقلی داده اند وضع خاص استناد به مآثورات و اخبار و روایات را حفظ کرده بود و مفسران باستناد علوم

ادبی و بلاغی و عطف توجه بروایات و احادیث ، قرآن را تفسیر کرده‌اند .

نمونه اینگونه تفسیر ها تفسیر مجمع البیان و تبیان است . و متدرجاً مسائل کلامی و سپس عقلی و سر انجام عرفان وارد تفسیر می شود .

از جمله تفاسیری که جنبه کلامی دارد تفسیر کبیر امام فخر رازی است که احیاناً جنبه های عقلی و فلسفی هم دارد . و از متأخران تفسیر طنطاوی را باید نام برد که علاوه بر جنبه های کلامی و عقلی از علوم و فنون عصر جدید نیز بهره ور شده است .

و از جمله تفسیرهای عرفانی ، باید تفسیر قشیری (ابوالقاسم قشیری) و کشف الاسرار و عدة الابرار خواجه عبدالله انصاری را نام برد .

و بعداً تفاسیری بوجود آمد که ملحق از جنبه های عقلی و عرفانی است از جمله تفسیر ملا صدرا شیرازی که نمودار افکار عارفانه و فیلسوفانه است ، اکنون قسمت های از اینگونه افکار را نقل می کنیم .

«الذین يؤمنون بالغیب» منظور تصدیق بعالَم عقول و لاهوت و ملکوت و آنچه از مدهکات حس بیرون است می باشد .

منظور از نماز ، عروج به آسمانهای الهی است که فرمودند «الصلوة معراج المؤمن» و منظور از «وفی السماء رزقکم و ما تعدون» سعادت و قیوضات الهی است که بر قلب مؤمنین تابد و منظور از «ان الهدی هدی الله» هدایت و راهنمایی به آسمان معرفت و دانش به مجردات عقلیه و نفسیه است .

منظور از «یخرجهم من الظلمات الی النور» از کفر بایمان رهمنون

شدن است .

و منظور از : «مثلهم کمثل الذی استوقد ناراً فلما اضاءت ما حوله ذهب الیه بنورهم و ترکهم فی ضلمات لایبصرون سم بکم عمی فهم لایرجعون» اینست که عوالم متطابق اند و نشأت متحاذی اند و نسبت جهان اعلی به جهان ادنی مانند نسبت صافی است به کدر و نسبت لب است به قشر و نسبت ادنی است باعلی، مانند نسبت فرع باصل است و نسبت سایه است بسایه انداز و نسبت شخص به طبیعت و نسبت مثال است بحقیقت پس هر چه در دنیا وجود دارد ، در آخرت ، حقیقت و لب آن موجود است و اگر نه مانند سراب باطل خواهد بود و هر چه در آخرت است ، مثل و سایه آن در دنیا است و گرنه بمانند درخت بی بار و علت بدون معلول خواهد بود زیرا دنیا از عالم ملک و شهادت است و آخرت از عالم غیب و ملکوت است و برای هر انسان دنیائی و آخرتی است و منظور از دنیا حالت قبل از مرگه و منظور از آخرت حالت بعد از مرگه است :

پس دنیا و آخرت از جمله احوال انسان است که آن حال نزدیک را دنیا گویند و آن حالت دور را آخرت .

دنیا مقدم بر آخرت است نه تقدم حقیقی بلکه نسبت بما و از این جهت که نشأت اول انسان وجود در عالم حس است پس از آن متدرجاً از عالم حس منتقل شود به عالم غیب و آخرت .

پس انسان در این دنیا بمانند صورتی است که از چیزها که در آینه منعکس شود و گرچه صاحب صورت در مرتبه اول است زیرا آنچه از او دیده میشود و نخست دیده می شود صورت است پس عالم شهادت حکایت از عالم غیب

کند .

و مثل اینان مانند کسانی است که تنها صورت را بینند و از عالم غیب بی اطلاع باشند و هرگاه آن روشنائی نموده شود فوراً محو شود و در ظلمت بخت یمانند شهادت را بینند و نه غیب را .

منظور از اسماء در «و علم آدم الاسماء کلها» عوالم وجود است که هر مرتبه اسمی از اسماء الله است .

منظور دو اذ استستی موسی لقومه فقلنا اضرب بعصاك الحجر فانفجرت منه اثنتی عشر عیناً ،

دریای معرفت است که چشمه های معرفت از آن جاری شده و آن انفاس قدسیه حضرت موسی است که از دل های سخت از سنگ مردم معرفت بیرون آرد .

منظور از ذبح بقره کشتن نفس آماده است .

کیفیت نزول قرآن

در این باب خدای بزرگ می فرماید : « شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن » و « انا انزلناه فی لیل القدر » .

در اینکه قرآن چگونه نازل شد و از لوح محفوظ چگونه فرود آمد اقوالی نقل شده است البته این بحث بطور کلی در زمانهای بعد از عهد صحابه وضع خاصی به خود گرفته است و جنبه عقلی پیدا کرده است .

بعضی گفته اند تمام قرآن در شب قدر به آسمان دنیا فرود آمد و سپس به تدریج در مدت بیست یا بیست و سه یا بیست و پنج سال بر قلب پیامبر نازل شد .

عده ای دیگر گویند قرآن در مدت ۲۰ و یا ۲۳ و یا ۲۵ شب قدر بر آسمان دنیا نازل شد .
(ناتمام)